روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۲۵ مهر ۱۳۹۴ • ۳ محرم ۱۴۳۶ • ۱۷ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۲۴ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۵ • اذان صبح‌فردا ۴:۴۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۳

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

داداش، یواش



پوریا عالمی

● یکی از اعضای شورای شهر تهران با راننده خود درگیر شد. شدت صدماتی که این عضو شریف شورای شهر به راننده خود وارد کرده طوری است که راننده نگون‌بخت در بیمارستان بستری شد.

ما با خواندن خبر بالا خیلی خوشحال شدیم که این عضو شورای شهر تهران ورزشکار حرفه‌ای بوده و کاملا با اخلاق ورزشکاری آشناست. چرا؟ چون اگر با اخلاق ورزشکاری آشنا نبود، طرف را طوری می‌زد که ناک‌اوت می‌شد اما آشنایی به فنون ورزشی این امکان را به عضو شریف مربوطه می‌دهد که طوری بزند که مخاطب از هوش برود اما از دنیا نرود. مردم شهر تهران بعد از شنیدن خبر کتک‌کاری عضو شریف شورای شهر، با تجمع جلو شورای شهر ضمن حمایت از ورزشکار مربوطه اعلام کردند: داداش، یواش!

حکایت: یک کاندیدای شورای شهر در انتخابات داشت شعار می‌داد که اگر به من رأی بدهید من نمی‌گذارم آب توی دل شما تکان بخورد جز اینکه دو طرف تهران را مجوز می‌دهم که ساخت‌وساز صورت بگیرد و جلو ورود باد به تهران گرفته شود و جز اینکه مجوز می‌دهم دارودرخت و فضای سبز شهری تبدیل به ملک تجاری بشود و جز اینکه کاری به امنیت جان شهروندی ندارم و سازمان آتش‌نشانی و هلال‌احمر و شهرداری راحت باشند و همین که یکی یک چیزیش شد توی تلویزیون بغض کنند برای ما بسه.

مردم که ایستاده بودند و داشتند تماشا می‌کردند، بغض کردند و گفتند: فلانی دوستت داریم... فلانی دوستت داریم.

در همین لحظه یک آقایی که تحصیل‌کرده و بی‌کار بود، گفت: اگر ما به تو رأی بدهیم تو می‌روی سر کار و ما سر کار می‌مانیم.

کاندیدای مربوطه گفت: نه عزیزم. شما بی‌کار نمی‌مانید. اصلا خود شما بیا بشو راننده من.

آقای تحصیل‌کرده بی‌کار گفت: ببین داداش، من قبلا رو تاکسی کار کردم و متوجه خطرات اون هستم و مسافر و راننده هی دعواشون میشه و روشون به هم باز میشه.

کاندیدای مربوطه گفت: نه اصلا نگران نباش. من خیلی پروانه‌ای هستم و روم را به روت باز نمی‌کنم.

آقای تحصیل‌کرده بی‌کار راننده گفت: حالا اگر توی دوران نمایندگیت دعوایمان بشود مرا با چی می‌زنی؟

کاندیدای مربوطه گفت: با دم نرم و نازکم.

آقای راننده گفت: وجدانی با چی می‌زنی؟ به نظر هیکلت خیلی ردیف است و من را قبلا فلک زده و بی‌کار هستم. دیگر زدن ندارم‌ها.

کاندیدای مربوطه گفت: نگران نباش. من ورزشکارم اگر هم بخواهم تو را بزنم طوری می‌زنم که جاش نماند.

و خلاصه این‌طوری شد که آن‌طوری زد و جاش نماند اما طرف افتاد گوشه بیمارستان و خلاص. پایان.

خبر

«هوملند» نژادپرست است

● «هوملند» نژادپرست است! این جمله‌ای است که مخاطبان سریال آمریکایی Homelandحین تماشای این سریال دیدند اما متوجه نشدند! به گزارش «رویترز» این جملات را سه جوان عرب که گروه (Arabian Street Artists) را تشکیل می‌دهند در برلین روی بخشی از دیوارهای شهر که محل فیلم‌برداری سریال هوملند است نقاشی کرده بودند و تازه در وب‌سایتشان اعلام کردند که چه کرده‌اند و چرا. آنها می‌خواستند اعتراضشان را علیه نقش آمریکا و سی‌آی‌ای در مناقشات منطقه خاورمیانه نشان دهند. بخشی از فصل تازه سریال هوملند درباره پناه‌جویان سوری است و برای بازسازی یکی از کمپ‌های محل سکونت پناه‌جویان از بخشی از شهر برلین استفاده شده است. گروه هنرمندان خیابانی عرب پس از مطلع‌شدن از این موضوع به محل رفته‌اند و گرافیتی‌هایی به زبان عربی و با محتوای توهین‌آمیز نسبت به این سریال روی دیوارهای لوکیشن ایجاد کرده‌اند. مسئولان شرکت سازنده این سریال در بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند که اتهامات واردشده درباره نژادپرستی را رد می‌کنند و از این اتفاق متأسف هستند.

کارتون خواب



محمدرضا ثقفی



تحلیل

رفتن راه‌های دموکراتیک، پروسه‌ای طولانی

شرق: وقتی از خشونت حرف می‌زنیم، ذهن همه ما به سمت جنگ و درگیری‌های نظامی می‌رود اما خشونت دامنه گسترده‌تری دارد و در بسیاری موارد رفتارهای تک‌تک شهروندان و حتی نمایندگان آنها را در برمی‌گیرد. چندی پیش دو اتفاق در رسانه‌های جهان منعکس شد که جزء رفتارهای خشن شهروندی محسوب می‌شود. برنامه شرکت هواپیمایی ایرفرانس برای حذف دوهزارو ۹۰۰ نفر از نیروی کار خود طی دو سال آینده با واکنش شدید کارکنان این شرکت همراه شد به‌طوری‌که به جلسه کمیته مرکزی شرکت حمله کردند و عده‌ای از مدیران ایرفرانس را مورد تعرض فیزیکی قرار دادند. چندروز پس از این اتفاق در گوشه دیگری از اروپا، پارلمان، صحنه درگیری شد. جریان از این قرار بود که نمایندگان مخالف دولت کوزوو در جریان اعتراض به نحوه مواجهه دولت با مناطق صرب‌نشین کوزوو، در صحن پارلمان از بمب‌های دودزا استفاده کردند. اعتراض مخالفان دولت با سوت‌های ممتد که برای دقایقی ادامه داشت، آغاز شد و سپس بمب‌های دودزایی که به نظر می‌رسید گاز اشک‌آور بودند را منفجر کردند این اتفاق باز هم به تازگی رخ داد. «امان‌الله قرایی‌مقدم»، جامعه‌شناس، معتقد است تعرض به مسئولان و ایجاد درگیری و شلوغ‌کاری همگی مصداق‌های خشونت هستند اما این خشونت‌ها به دلایل مختلف ممکن است روی دهد؛ از نبود همبستگی و انسجام ارگانیکی در جامعه تا بی‌اعتمادی تاریخی به حکمرانان که با نام رسوبات فرهنگی آنها را می‌شناسیم. او در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «اتفاقاتی از این دست را می‌توان با تئوری‌های متفاوت تحلیل کرد. یکی از معروف‌ترین این تئوری‌ها، نظریه همبستگی و انسجام ارگانیکی امیل دورکیم، جامعه‌شناس، است. دورکیم از همبستگی ارگانیکی دربرابر همبستگی مکانیکی سخن می‌گوید. همبستگی مکانیکی را می‌توان در کشورهای توسعه‌نیافته به‌وفور مشاهده کرد. در این‌گونه جوامع افراد مثل اجزای ماشین فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند اما هیچ درکی از فعالیت‌های خودشان ندارند. برای مثال در این جوامع افراد در ادارات کار می‌کنند اما نمی‌دانند این کار چه جایگاهی در کل سیستم دارد و به‌همین‌دلیل برایشان مهم نیست کاری را درست انجام دهند یا اصلا در جریان کارها کارشکنی کنند. اما برعکس انسجام ارگانیکی مثل هماهنگی در بدن است. اگر یک سلول در بدن دچار مشکل شود، همه در خدمت هم قرار می‌گیرند. در این جوامع همه اهمیت کارشان را می‌دانند مثل ژاپن که هر کس کارشکنی در جریان کار را تهدیدی علیه خود می‌داند. هرچه کشورها به سمت توسعه‌یافتگی حرکت کنند، انسجام مکانیکی تبدیل به انسجام ارگانیکی می‌شود». اما خشونت تنها معلول نبود همبستگی ارگانیکی نیست و مهم‌تر اینکه ما فرانسه و حتی کوزوو را جزء کشورهای توسعه‌یافته به حساب می‌آوریم. قرایی‌مقدم با اشاره به این موضوع می‌گوید: «البته علت مهم دیگری نیز در زمینه مسئله خشونت وجود دارد که نباید آن را نادیده گرفت. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید در رابطه با بروز خشونت در یک جامعه مورد توجه قرار گیرد، مسئله رسوبات فرهنگی یک کشور و یک فرهنگ و ملت است. رسوبات فرهنگی، تجربیات تاریخی ملت‌ها و موضوعاتی است که از طریق ارزش‌های اجتماعی به نسل‌های مختلف منتقل می‌شود. برای مثال در فرانسه به‌صورت تاریخی یک بی‌اعتمادی به مسئولان وجود دارد که در دیگر کشورهای اروپایی یا وجود ندارد، یا به شکل‌های دیگر هست. مثلا در آلمان اعتماد به فرد قدرتمند به‌قدری است که همه در برابر یک فرد با اتوریته بالا سر تعظیم خم می‌کنند. در خانواده‌های آلمانی پدر از چنین جایگاهی برخوردار است و بالطبع در جامعه این فرد رئیس‌جمهور یا نماینده است. در فرانسه چون چنین اعتمادی به رأس قدرت وجود ندارد، مردم شورش می‌کنند و دست به خشونت می‌زنند تا از این طریق، هم توجه حکمران را جلب کنند و هم رسانه‌های جهانی را تسخیر و مسائلشان، به مسئله اول رسانه‌ها تبدیل کنند». او ادامه می‌دهد: «در کنار این موضوع باید به میزان توسعه‌یافتگی کشورها هم توجه کرد. برای مثال کوزوو و دیگر کشورهای شرق اروپا مثل بلغارستان، چکسلواکی و... دهه‌ها زیر نفوذ دیکتاتوری استالینیستی بوده‌اند و تنها ازطریق اعتصاب، تظاهرات و خرابکاری به نتیجه رسیده‌اند و چند دهه بیشتر نیست که در حال مزه‌مزه‌کردن دموکراسی هستند. به‌همین‌دلیل این رفتارهای خشن جزء رسوبات فرهنگی‌شان است». این جامعه‌شناس همچنین تأکید می‌کند: «رفتن راه‌های دموکراتیک یک پروسه طولانی است و مردم باید به آن عادت کنند. این پروسه ازطریق تربیت، آموزش‌وپرورش، رسانه‌ها و... در افراد نهادینه می‌شود. برای اینکه یک ارزش رفتاری جزء رسوبات فرهنگی یک ملت شود، راهی طولانی باید طی شود».



پشت جلد

شابلون توافق



کریم ارغنده‌پور

روش دستیابی به راهکار توافق هسته‌ای نمونه‌ای مناسب از همگرایی اجزای قدرت با هم و با نخبگان است. از این نظر این وفاق به‌عنوان نمونه‌ای تاریخی، تجربه‌ای است که می‌تواند در حوزه‌های دیگر هم برای بازه‌های زمانی طولانی نقش‌آفرینی کند. این دستاورد با این نگرش، موفقیتی بزرگ‌تر از حل مناسب مسئله هسته‌ای به‌تنهایی است و آن، دستیابی به الگویی است که از منافع جناحی و اختلافات داخلی گذر و برای رسیدن به منفعتی عمومی‌تر تجمیع‌کننده است و راهگشایی می‌کند. زمینه‌ای که معمولا در شعارهای عمومی از سوی هر جناحی کمابیش یکسان است. ما برای گذر از موانع و دشواری‌های اساسی پیش‌رو به این الگو بیشتر نیازمندیم. مقدار بسیار زیادی از منابع ما معمولا صرف اختلافات داخلی و خنثی‌کردن همدیگر می‌شود. طبق تئوری اگر بتوان مجموع این بردار- نیروها را همسو کرد، پیشرفت اتفاق می‌افتد. برای رسیدن به این نقطه نیازمند دستیابی به حداقل اشتراکات در هر زمینه‌ای هستیم. برای بهتر دیدن اشتراکات باید گفت‌وگو شکل بگیرد و انتقادها هم مطرح شود. فکر نمی‌کنم کمتر مسئله‌ای در کشور از لحاظ بعد استراتژیک به اندازه مسئله هسته‌ای حساس باشد ولی همان‌طور که دیدیم منتقدان توافق اجازه داشتند آزادانه تا هر اندازه که می‌خواهند مخالفت خود را بیان کنند. در نهایت بعید می‌دانم کسی این تصویر را داشته باشد که با طرح انتقادات، مشکلی در سطح کلان برای کشور پدید آمد. بلکه برعکس، زمینه برای قضاوت‌های بهتر در افکار عمومی شکل گرفت و ضعف‌ها و قوت‌ها بدون ایجاد شکاف قابل‌ملاحظه‌ای در جامعه نمایان‌تر شد. در موضوعات دیگر هم باید کارشناسان ابعاد مختلف موضوعات را بگشایند تا امکان گره‌گشایی‌ها فراهم شود. ما در حوزه‌های مختلف واقعا نیازمند این همگرایی در سطوح کلان هستیم. موضوع هسته‌ای چیزی بود که تقریبا همه ارکان کشور جز معدودی افراد با آن موافق بودند. موضوعات دیگری هم به همین ترتیب در حوزه‌های دیگر هست که می‌توان در آنها واقعا به این اشتراک رسید. مثلا من فکر می‌کنم در اقتصاد باید برای عبور از رکود و ایجاد رونق و در نتیجه عبور از بحران به یک راهکار همه‌جانبه رسید. انتظار از دولت به‌تنهایی، مادامی که مجلس، قوه قضائیه، صداوسیما و سایر ارکان با آن کاملا همراه نباشند نمی‌تواند نتیجه لازم را داشته باشد. بدیهی است که منظور این نیست که در موضوعات مختلف فقط یک صدا بیرون بیاید، بلکه منظور این است که حداقل بر سر اساسی‌ترین موضوعات یک توافق ملی آشکار ایجاد شود.

سلام به فردا

کمپین امضا برای فاجعه منا

تلاش برای تأثیرگذاری



عبدالله ناصری

کمپین جمع‌آوری یک میلیون امضا برای پیگیری حادثه منا توسط سازمان ملل، حرکتی مدنی است که نفس مدنی‌بودنش آن را حرکتی ستودنی می‌کند؛ زیرا ما از حرکت‌های مدنی مخصوصا در جوامع توسعه‌نیافته توقع و انتظار داریم که در بزنگاه‌های تاریخی شکل بگیرند و با جمع‌کردن مردم پشت سر خودشان در جریان حوادث تأثیرگذار باشند. به‌همین‌دلیل رفتار مدنی این کمپین یا هر کمپین مدنی دیگر که ساختار غیرمدنی پشت سر آن وجود نداشته باشد و مخصوصا اینکه مخاطبش یک نهاد بین‌المللی بی‌طرف باشد، حرکتی پسندیده است که بسته به محتوای آن مردم باید در آن شرکت کنند. باوجوداین درباره حادثه منا یادآوری چند نکته ضروری است. کشته‌شدن حجاج در مراسم رمی جمرات امسال ازجمله مسائلی است که به‌ناچار نیازمند گذر زمان است تا ابعاد مختلف آن موشکافی و برملا شود. از ساعاتی پس از این حادثه خبررسانی توسط رسانه‌های مختلف درباره آن شروع شد و بعضا بسیاری از این اطلاعات و اخبار ضدونقیض بود؛ حتی برخی رسانه‌ها برای نشان‌دادن عمق فاجعه از تصاویر آرشیوی مربوط به حوادث سال‌های گذشته و مونتاژ آنها استفاده می‌کردند که به نظر من شاید حتی قصدوغرضی پشت آن وجود نداشت و بیشتر در نتیجه جریحه‌دارشدن احساسات همه در ارتباط با این حادثه بود. اما به‌عنوان یک استاد تاریخ می‌توانم بگویم به‌میزانی‌که دربرابر یک پدیده تاریخی عواطف قضاوت‌کنندگان رقت‌بار شود به همان میزان اصالت واقعه تاریخی پنهان می‌ماند تا پس از گذشت سال‌ها زوایای مختلف آن آشکار شود. به‌همین‌دلیل امروز پس از گذشت چندین هفته از این اتفاق تلخ نیاز است که رویکردی عقلانی و انتقادی به این ماجرا اتخاذ شود و روشن شود مدیریت حج عربستان و سایر کشورها هرکدام چقدر قصور داشته‌اند. در این حادثه زمینه بی‌تدبیری وجود داشته است و قصد ندارم از عربستان سعودی دفاع کنم اما مسئله رعایت زمانبندی‌های تعیین‌شده برای انجام مراسم رمی جمرات موضوعی است که اگر رعایت نشود رخ‌دادن چنین حوادثی طبیعی خواهد بود. امروز زمانی است که حتما رسانه‌های ما و فعالان دراین‌زمینه باید به‌طور جدی مسئولان حج را فارغ از احساساتی که البته حق همه ملت ایران است به گفت‌وگو وادار کنند تا زوایای مختلف این قضیه روشن شود. با وجود این حرکت مدنی شروع‌شده حرکتی است که می‌تواند نهادهای بین‌المللی را نیز برای روشن‌شدن ابعاد این حادثه به میدان بکشد.

یادداشت

اشتغال؛ یک سال دیگر، ارزآوری؛ پنج سال



پدرام سلطانی*

این‌روزها شاهد رفت‌وآمد سرمایه‌گذاران خارجی به داخل کشور هستیم، اما بهره‌برداری از این سرمایه‌گذاری‌ها قریب‌الوقوع نیست به همین دلیل نباید انتظارات شهروندان و مردم را از این سرمایه‌گذاری‌ها بالا برد. در شرایط کنونی این رفت‌وآمدها بیشتر در جهت کسب اطلاعات، بررسی فرصت‌ها، رصدکردن اتفاقات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، انجام مطالعات و امکان‌سنجی و ارزیابی اقتصادی انجام می‌شود بنابراین به‌جز تأثیر افزایش ورود گردشگر خارجی به کشور - زیرا ورود مسافر به کشور، چه در قالب گردشگران تجاری و چه تفریحی یا انواع دیگر در رونق کار هتل‌ها و همین‌طور خدمات مورد نیاز این گروه مؤثر است - و رونق نسبی بخش گردشگری و خدمات وابسته، اثری در کوتاه‌مدت نخواهد داشت.

اما زمانی که این رفت‌وآمدها منجر به تصمیمی در زمینه سرمایه‌گذاری شود و البته این سرمایه‌گذاری‌ها مراحل و تشریفات قانونی خود را طی کند و کار اجرائی آنها شروع شود، می‌توانیم شاهد تأثیرات اقتصادی سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان باشیم. طبیعی است با توجه به نوع سرمایه‌گذاری، تأثیرات اقتصادی را در حوزه‌های متفاوت می‌توان شاهد بود. اولین نمود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، در حوزه‌های عمرانی و ساخت‌وساز خواهد بود زیرا احداث کارخانجات، ابنیه و تأسیسات مورد نیاز سرمایه‌گذاری مربوطه اولین گام است و بنابراین باعث رونق این بخش به‌صورت اشتغال نیروی کار ساختمانی، تولید و تجارت مصالح ساختمانی مورد نیاز سرمایه‌گذاری در کشور موجود است، خواهد شد. مرحله بعد از ساخت‌وسازها، مرحله تولید و بهره‌برداری است که با فاصله زمانی بیشتری به وقوع می‌پیوندند و معمولا با توجه به اندازه پروژه از یک تا پنج سال پس از شروع عملیات عمرانی، این پروژه‌ها به بهره‌برداری می‌رسند. پس از بهره‌برداری نیز پروژه‌ها نیاز به نیروی کار خواهند داشت و این‌بار نیروی کار کارگر، متخصص، مدیر و... مورد نیاز است که می‌تواند منجر به اشتغال پایدار شود. تولیدی که این واحدها خواهند کرد، می‌تواند یا مورد نیاز بازارهای مصرف داخلی باشد یا مواد اولیه صنایع پایین‌دستی آنها باشد یا صادر شود و ارزآوری داشته باشد. اما همان‌طور که اشاره شد نباید زودتر از سال آینده منتظر کلیدخوردن اولین سرمایه‌گذاری‌ها در کشور بود و بهره‌برداری‌ها هم زودتر از دو سال آینده اتفاق نمی‌افتد.

البته باید اشاره کرد بخش اعظم سرمایه‌گذاری خارجی در موج اول متوجه حوزه نفت و گاز است. در این حوزه پروژه‌هایی درحال‌حاضر وجود دارد که در میانه راه هستند و با سررسیدن سرمایه‌گذاران و شرکای خارجی می‌توانیم آثار تولید، فروش و صادرات در این حوزه را از اواسط سال آینده به‌تدریج شاهد باشیم. باوجوداین، سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز و صنایع سنگین تأثیرات زیادی بر اشتغال ندارند. زیرا این حوزه‌ها اصطلاحا سرمایه بر (Capital intensive) هستند تا کاربر (Labor intensive) و اگرچه نیروی کار مورد نیاز خود را جذب می‌کنند اما میزان اشتغال در تناسب با حجم سرمایه‌گذاری عدد پایینی است و ما باید برای چاره‌کردن مشکل بی‌کاری در کشور چشم امید به سرمایه‌گذار داخلی ببندیم که در فضای سهل‌تر سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار پس از تحریم، مبادرت به سرمایه‌گذاری کند و چون این نوع سرمایه‌گذاری‌ها عموما در بنگاه‌های کوچک و متوسط خواهد بود، به تناسب سرمایه‌گذاری، اشتغال به وجود آورند. بنابراین برای حل مشکل اصلی کشور که ایجاد شغل پایدار به میزان لازم است نمی‌توان به سرمایه‌گذاری خارجی دل بست و باید روی توان داخلی حساب باز کرد. لازم است دولت با توجه به این مهم هرچه جدی‌تر به رفع موانع سرمایه‌گذاری مبادرت کند. امیدوارم سرعت و جدیت دولت در این خصوص زودتر مشاهده و محقق شود.

* نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران



تخته سبز

موتور تخریب طبیعت ایران سرعت گرفته است



مژگان جمشیدی

نفس خود را برای ۱۰ ثانیه در سینه حبس کنید! در همین زمان کوتاه، سه‌هزارو ۵۰۰ مترمربع از جنگل‌ها و مراتع کشورمان تخریب شد. حالا به عقربه ثانیه‌شمار ساعتتان نگاه کنید، وقتی یک دقیقه کامل شد، حجم تخریب جنگل‌ها و مراتع کشورمان به ۲۱ هزارمترمربع می‌رسد! درست به همین سادگی، هرروز حدود ۳۰ میلیون مترمربع (معادل سه‌هزارو ۲۰۴ هکتار) از زیستگاه‌های ایران به دلایل گوناگون نابود می‌شود. به‌این‌ترتیب تا پایان هر سال رقمی معادل یک میلیون و ۱۰۴ هزار هکتار (معادل ۱۱ میلیارد و ۴۰ میلیون مترمربع) از جنگل‌ها و مراتع کشور تخریب می‌شود.

اعلام این حجم عظیم از تخریب سرزمین، یک توهم یا بزرگ‌نمایی رسانه‌ای نیست؛ بلکه این مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط‌زیست است که روزشمار تخریب طبیعت ایران را افشا کرد. به موازات همین حجم گسترده تخریب، اکنون نزدیک به ۳۰ درصد گونه‌های گیاهی کشورمان در معرض تهدید و نابودی قرار گرفته‌اند. به گزارش دفتر موزه تاریخ طبیعی و ذخایر ژنتیک سازمان محیط‌زیست، از مجموع هشت‌هزار گونه گیاهی در کشور، دوهزارو ۴۰۵ گونه در معرض تهدید قرار دارند که بخش اعظمی از این گیاهان گونه‌های اندمیک و بومی این سرزمین است که اگر منقرض شوند، برای همیشه از روی زمین پاک خواهند شد. امروز دیگر کمتر منطقه بکری در این سرزمین باقی مانده به‌طوری‌که حتی کم‌نظیرترین پارک‌های ملی کشورمان هم با وجود اهرم‌های محکم قانونی در سال‌های اخیر دستخوش تخریب جدی شده است. در تازه‌ترین رخداد غمبار، پارک ملی گلستان که ارزشمندترین گنجینه تنوع زیستی کشورمان به‌شمار می‌رود، در واپسین روزهای هفته گذشته باز هم در آتش سوخت. آتش‌سوزی‌های سریالی در این منطقه موجب شده تا در پنج سال گذشته بیش از ۱۰ هزار هکتار از اراضی جنگلی و مرتعی این پارک ملی خاکستر شود.

وقتی قدیمی‌ترین پارک ملی و غنی‌ترین گنجینه ژنتیکی کشورمان این‌چنین مفت و آسان می‌سوزد یا توسط گله‌های پرشمار گوسفند چریده شده، یا زیر تیغ لودرهای وزارت راه خرد می‌شود و حیات‌وحش آن نیز با حضور فله‌ای شکارچیان بی‌رحم سلاخی می‌شود، می‌توان وضعیت دیگر مناطق حفاظت‌شده کشورمان را هم به‌راحتی به تصویر کشید! گلستان همه آبروی ایران در مجامع جهانی زیست‌محیطی است اما بی‌آنکه آبی به رویش ریخته شود، سال‌هاست پی‌درپی می‌سوزد. کاش باور کنیم این همه طبیعت ایران است که در غفلت من و تو و دولت‌ها در هر ثانیه بی‌صدا می‌سوزد و چریده و کاویده می‌شود. راستی چرا هیچ‌کس ثانیه‌شمار تخریب طبیعت ایران را جدی نمی‌گیرد؟